

نظریه پردازی‌های علمی قرآن

محمد علی رضایی اصفهانی^۱

چکیده

نظریه پردازی‌های علمی یکی از مسائل مهم عصر ما و ضرورتی برای پیشرفت هر دانش است. خاستگاه نظریه‌ها می‌تواند از متن دانش مورد نظر برخیزد یا از دانشی دیگر، یعنی پژوهشگر الهام یا حدس برخاسته از یک پدیده طبیعی یا از یک آیه قرآن نظریه‌ای ارائه می‌کند و با توجه به شواهد و قرائن علمی آن را سامان می‌دهد. به عبارت دیگر نظریه پردازی‌های علمی گاهی تک تباری است و گاهی چند تباری است یعنی گاهی نظریه علمی به صورت میان‌رشته‌ای شکل می‌گیرد. از اینجاست که نظریه پردازی‌های علمی قرآن متولد می‌شود. در این نوشتار بر آنیم که ابعاد مختلف این مسأله را مورد بررسی قرار دهیم.

کلیدواژه‌ها: نظریه پردازی، علم، قرآن، اعجاز علمی.

پیشینه

هر چند که در مورد نظریه «نظریه پردازی علمی» در کتاب‌های متعددی بحث شده است (که در مبحث مفهوم‌شناسی به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود) اما در مورد «نظریه پردازی علمی قرآن» کتاب مستقلی یافت نشده است، نخستین بار این تعبیر در سال ۱۳۸۵ در عنوان نشست علمی به نام «نظریه پردازی‌های علمی قرآن» در جامعه المصطفی العالمیه، به کار رفت که مجله افق حوزه ش ۴۷ در آبان ماه سال ۱۳۸۴ گزارش کاملی

۱- دانشیار جامعه المصطفی العالمیه

از آن منتشر ساخت سپس در برخی محافل علمی و مقالات نگارنده از جمله مقاله «روش برداشت علمی از قرآن» مجله پژوهش‌های قرآنی، ش ۴۵، سال ۱۳۸۵، به کار رفته است و اکنون کم‌کم در جامعه علمی و قرآنی این تعبیر با تسامحی که در آن است نهادینه شده است.

مفهوم‌شناسی

۱- نظریه

اندیشمندان برداشت‌ها و تفسیرهای متفاوتی از نظریه دارند: نظریه، مجموعه‌ای به هم پیوسته از سازه‌ها (Construets)، مفاهیم (Concepts)، تعاریف و قضایاست که به منظور تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها، از طریق تشخیص روابط بین متغیرها، یک نظر نظام‌دار درباره این پدیده‌ها ارائه می‌دهد. (هومن، ۱۱) نظریه مجموعه‌ای از تعریف‌ها و پیشنهادها درباره تعدادی متغیر بهم پیوسته است، که همه این تعریف‌ها و پیشنهادها، بعد منظم و مدونی از وقایع و پدیده‌هایی را که در اثر همبستگی‌ها و تداخل این متغیرها به وجود می‌آید، ارائه می‌دهد؛ (نادری - نراقی، ۳۲) نظریه‌ها، در واقع دام‌هایی هستند که ما برای آن گسترده‌ایم تا آنچه را که «جهان» نامیده می‌شود صید کنیم تا حلقه‌های شبکه دام را تنگ‌تر و تنگ‌تر سازیم؛ (پوپر، ۶۳) تئوری بیان‌کننده مجموعه‌ای از مفاهیم یا فرض‌هایی است که به صورت سیستماتیک و توجیه‌کرد (رابینز، ۴۷) و مجموعه‌ای از بیانیه‌هایی هستند است که بر مبنای قواعد منطقی و مبین بخشی از واقعیت هستند. (همانجا، ۹۵)

بنابراین در نگاهی کلی و جامع می‌توان گفت: نظریه^۱ بیانی منظم، انتزاعی، موجز، متشکل از قضایا، مستدل و منطقی، مبتنی بر یک سلسله مطالعات علمی، مبین یک اصل

۱- در خصوص نحوه ارتباط نظریه با واقعیت چهار تعبیر وجود دارد که باربور در کتاب «علم و دین» بدان اشاره کرده است: ۱. نظریه به عنوان ملخص داده‌ها (پوزیتیویسم): بسیاری از دانشمندان تجربی مفاهیم و نظریه‌ها را ملخص داده‌ها و محصول مشاهدات حسی و تجربی می‌دانند. (باربور، ۱۳۷۴: ۱۹۸). ۲. نظریه همچون وسیله‌ای مفید

نظریه پردازی‌های علمی قرآن / ۵۷

کلی یا مجموعه‌ای از اصول مربوط به چگونگی و چرایی واقعیات یا رویدادها در سطح خرد و یا کلان است. هر نظریه تنها انعکاس‌دهنده و تبیین‌کننده بخشی از واقعیات است که در یک کلیت به هم پیوسته فهم می‌شود. یک نظریه معمولاً دارای چهار بعد شناختی (معرفت ناظر به واقع)، بعد عاطفی (تجسم تجربه و احساسات نظریه‌پرداز)، بازاندیشی (شیوه‌ای برای درک واقعیات)، بعد هنجاری (ارائه مفروضات پنهان و آشکار در این‌که واقعیات چگونه باید باشد) است. کار اصلی یک نظریه تبیین و در مرحله بعد تعمیم (و بر همین اساس، اعطای قدرت پیش‌بینی) است. تبیین انواعی دارد که مهم‌ترین و پرکاربردترین آن تبیین علی است. هر نظریه معمولاً امکان طرح سؤالات و فرضیات جدیدی در باره واقعیات را برای محقق فراهم می‌سازد. (حسین، ۱-۳)

عمده کارکردهای مورد انتظار از یک نظریه عبارت است از: ۱. محدود ساختن افق دید و گستره علایق محقق و جهت دادن آن در تمرکز بر پدیده‌های خاص یا بخش‌هایی از یک پدیده؛ ۲. تعیین و مشخص ساختن مسیر مطالعات علمی با انواع اطلاعات مربوط؛ ۳. امکان‌یابی ربط اطلاعات مربوط به یک‌دیگر و طبقه‌بندی آن‌ها؛ ۴. امکان‌دهی به توصیف و تبیین پدیده‌ها. اساسی‌ترین کاربرد یک نظریه، توضیح مجموع پدیده‌هایی است که آن نظریه بدان معطوف است؛ ۵. امکان‌دهی به تعمیم اطلاعات و نتایج به دست آمده به سایر پدیده‌های مشابه؛ ۶. پیش‌بینی حقایق و واقعیات. یک نظریه به محقق امکان می‌دهد

(وسيله‌انگاری): رایج‌ترین تعبیر در میان فیلسوفان تحلیل‌زبانی در تلاش برای روشن کردن انواع و نقش‌های مختلف زبان علم، برداشت وسیله‌انگاره از نظریه‌های علمی است؛ ۳. نظریه به عنوان صورت ذهنی (ایده آلیسم): ایده آلیسم [=اصالت صورت ذهنی] در تأکیدش بر سهم داننده در علم، حتی از وسیله‌انگاری هم فراتر می‌رود؛ ۴. نظریه همچون بازنمود جهان (اصالت واقع): اصالت واقعیات [= رئالیست‌ها] بر خلاف پوزیتیویست‌ها حکم می‌کنند آنچه واقعی است یعنی در واقع هست، مشاهده‌پذیر نیست و بر خلاف وسیله‌انگاران، طرف دار این رای‌اند که مفاهیم معتبر، همانقدر که مفیدند، صادق و حقیقی هم هستند. و بر خلاف ایده آلیست‌ها برآنند که مفاهیم، ماهیت حوادث واقعه در جهان را باز می‌نمایند. انگاره‌های داده‌ها فرافکنده ما نیست، بلکه تا حد زیادی ریشه در روابط عینی متن طبیعت دارد. آنچه در تکوین دانش یا معرفت ما سهم تعیین‌کننده دارد عین معلوم [= ایزه] است نه ذهن عالم [= سوزه]. لذا علم کشف و اکتشاف است، نه صرفاً جعل و اختراع. (شرف‌الدین، حسین، ۶-۷)

تا موارد مشاهده نشده مرتبط را پیش‌بینی کند؛ ۷. زمینه‌سازی برای طرح فرضیات جدید؛ ۸. آشکار ساختن و کشف شکاف‌های موجود در دانش بشری. نظریه‌ها، ابزارهای مناسبی برای روشن ساختن وضعیت موجود یک حوزه معرفتی‌اند؛ ۹. امکان‌دهی به توجیه پدیده‌ها با حداکثر احتمال. (همانجا، ۵)

یک نظریه علمی و قابل قبول لزوماً باید از ویژگی‌های ذیل برخوردار باشد:

۱. استحکام درونی: یک نظریه خوب باید متضمن قضایای همگام و غیر متضاد باشد، ایجاد سوء تفاهم و ابهام نکند، تناقض محتوایی نداشته باشد، فرضیات آن با یکدیگر سازگار و اصطلاحات به کار رفته در آن بی‌ابهام باشند و قضایای آن از استحکام و تداوم منطقی برخوردار باشند. ۲. استحکام برونی: منظور از استحکام برونی نظریه آن است که قضایای آن با موازین دنیای خارج، که در واقع محک‌های استنباطات پژوهشی (Research Inferece) شمرده می‌شوند، قابل تطبیق باشد. ۳. مستندات قوی: یک نظریه مقبول باید به مجموعه قابل توجهی از اطلاعات، مستندات و شواهد متقن تکیه کند. ۴. قابلیت سنجش: یک نظریه خوب همواره باید قابلیت سنجش داشته باشد و با ارجاع به مستندات و شواهد مختلف، آمادگی لازم برای تایید یا رد را داشته باشد. ۵. عملیاتی بودن: منظور از عملیاتی بودن یک نظریه آن است که در جهان واقع قابل اعمال و بهره‌گیری باشد، با واقعیات مشهود رابطه برقرار کند و به عبارتی از حالت نظری و تجریدی خارج شود. برخی این ویژگی را در ذیل «آزمون پذیری» ذکر کرده‌اند. در آزمون پذیری یک نظریه، برخی فیلسوفان علم قابلیت ابطال (ابطال‌پذیری) و برخی تأیید و اثبات (اثبات‌پذیری) توسط شواهد تجربی را شاخص مقبولیت و اعتبار آن ذکر کرده‌اند. ۶. قابلیت تعمیم: یک نظریه قابل قبول باید تا حد امکان، عمومیت داشته و به کلیه موارد مشابه قابل تعمیم باشد. ۷. صرفه‌جویی علمی: یک نظریه خوب باید تا حد امکان موجز و مختصر بوده و با حداقل فرضیات و مفاهیم به شرح و تبیین موضوع مورد نظر بپردازد. (حسین، ۸-۹)

نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن ۵۹

لازم به ذکر است که اصولاً قرآن حقایق را بیان می‌کند چه در حوزه عقاید، اخلاق، احکام یا علوم بشری؛ بنابراین تعبیر «نظریه‌پردازی» در مورد مطالب قرآن کریم با نوعی تسامح قابل‌پذیرش است.

از این رو می‌توان گفت که در میان تعاریف فوق‌الذکر تعریف دوم «رابینز» با مطالب قرآنی سازگارتر است. (نظریه مجموعه‌ای از بیانیه‌هاست که بر مبنای قواعد منطقی و مبین بخشی از واقعیت هستند)

۲- علم

مقصود از علم در اینجا علوم بشری اعم از علوم عقلی، نقلی، شهودی و تجربی طبیعی و انسانی است. هر چند نقطه اصلی بحث در عصر ما در زمینه علوم طبیعی و انسانی است. لازم به یادآوری است که در مورد ماهیت و چیستی «علم» دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد (مثل^۱: اثبات‌پذیری، ابطال‌پذیری، تأیید‌پذیری) ولی در این مقاله بر آن نیستیم که پیش‌فرض و مبانی خاصی را در این زمینه انتخاب کنیم، چرا که می‌توان بحث این مقاله را فراتر از دیدگاه‌های فوق‌ارائه کرد از این رو از این مباحث صرف‌نظر می‌کنیم.

اقسام آیات علمی قرآن

قبل از ورود به بحث لازم است که نگاهی کلی به آیات علمی قرآن و اقسام آن‌ها داشته باشیم تا موضوع بحث نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن روشن‌تر شود. آیات علمی قرآن در حوزه‌های مختلف علوم بشری حدود نیمی از قرآن را شامل می‌شود این آیات را می‌توان به چهار دسته عمده تقسیم کرد:

۱- نک: حدس‌ها و ابطال‌ها و نیز منطق اکتشافات، کارل پور، چیستی علم، چالمرز و در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده.

اول: اعجازهای علمی قرآن، یعنی رازگویی‌های علمی قرآن که در آیات به صورت واضح آمده است و در زمان نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته، بلکه مدت‌ها بعد از نزول آیه مطلب علمی آن توسط دانشمندان کشف شده است. (نک: رضائی‌اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۸۵).

مثل اشاره عملی قرآن به نیروی جاذبه، (الرعد، ۲، لقمان، ۱۰) حرکت‌های خورشید، (یس، ۳۸، الرعد، ۲) لقاح ابرها (الحجر، ۱۲) و زوجیت عام موجودات (الرعد، ۲، یس، ۳۶، الشعراء، ۷) و مراحل خلقت انسان (المومنون، ۲۲-۱۴، الحج، ۵، غافر، ۶۷ و القیامة ۳۷-۳۹) که قرن‌ها بعد از نزول قرآن بشر به این مطالب علمی دست یافت. از این رو برخی مفسران قرآن این مطالب را اعجازهای علمی قرآن دانسته‌اند.

البته ادعاهای دیگری نیز در مورد اعجازهای علمی قرآن شده است که مورد نقد قرار گرفته است. (نک: مدخل اعجاز قرآن، دانشنامه قرآن).

دوم: اشارات علمی شگفت‌آمیز قرآن: برخی آیات قرآن به مطالب علمی و قوانین جهان اشاره می‌کند که شگفتی هر خواننده‌ای را بر می‌انگیزد. اما از آنجا که این مطالب به صورت دیدگاه‌های غیرمشهور در مراکز علمی، توسط برخی دانشمندان مطرح شده بود، اعجاز علمی قرآن بشمار نمی‌آید. بلکه نوعی مخالفت با دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشهور در علوم آن عصر بشمار می‌آید که شگفت‌آور است و دلالت بر عظمت علمی قرآن دارد.

از آن جمله، اشارات قرآن به حرکت زمین (نک: النمل، ۸۹، مکارم شیرازی، ۱۵/۵۶۸-۵۶۹) و پیدایش حیات از آب، (النور، ۴۵، الانبیاء، ۳۰ نیز معرفت، ۶/۳۶) و ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه، (البقره، ۲۲۲، مکارم شیرازی، ۲/۹۳-۹۴، دیاب، ۵۰، ۵۱) ممنوعیت شرابخواری (المائدة، ۹۰ و ۹۱، البقره، ۲۱۹) و ...

سوم: اشارات علمی اندیشه‌ساز قرآن: آیاتی که اشاره به آسمان، زمین، انسان، حیوانات و طبیعت می‌کند و انسان را به تفکر در آنها دعوت می‌کند و گاهی آنها را نشانه خدا و معاد می‌شمرد. ولی مطلب شگفت‌آمیز یا اعجاز‌آمیزی از ظاهر آیات قابل استفاده

نظریه پردازی‌های علمی قرآن ۶۱۸

نیست، این‌گونه آیات توجه انسان را به نمودهای آفرینش زیبای الهی جلب می‌کند و زمینه‌ساز رشد علمی بشر را، به ویژه در علوم تجربی، فراهم می‌سازد.

مثال: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (الغاشیه، ۱۷)، یعنی: و آیا به شتر نظر

نمی‌کنند که چگونه آفریده شده است؟!

و نیز در آیات ۵- ۶- ۷- ۱۰- ۱۱- ۱۳- ۱۴ / سوره نحل به منافع حیوانات، نزول باران، رویش گیاهان رنگارنگ، دریاها و کشتی‌رانی در آنها و فواید غذایی و زیور آلاتی که از آنها به دست می‌آید، به عنوان نشانه‌هایی برای اندیشمندان اشاره می‌کند که به آفرینشگر جهان پی می‌برند و سیاسگزاری می‌کنند.^۱

چهارم: نظریه پردازی‌های علمی قرآنی: برخی از آیات علمی قرآن مطالبی را بیان

می‌کند که علم هنوز بدانها دسترسی پیدا نکرده و هر چند از نظر علوم تجربی به اثبات نرسیده است اما دلیلی نیز برای نفی آن مطلب قرآنی نداریم و از آنجا که وحی نوعی دانش قطعی و از سرچشمه الهی است در صحیح بودن آن شکی نیست هر چند برای اثبات آنها فعلاً شواهد تجربی در دست نداریم و ممکن است مثل برخی موارد دیگر از پیشگویی‌های علمی قرآن (مثل نیروی جاذبه طبق آیه ۲/رعد و ۱۰/لقمان و...) در آینده اثبات شود. این موارد را می‌توان بعنوان نظریه‌های علمی قرآنی مطرح نمود، و همچون دیگر تئوری‌های علمی بدنبال شواهد تجربی آنها بود.

مثال‌ها:

۱. نظریه وجود موجودات زنده در آسمان‌ها: این نظریه از برخی آیات قرآن همچون

آیه ۲۹ / شوری قابل استفاده است که می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِنَّ مِنْ ذَاتِئَاتٍ»، یعنی: و از نشانه‌های اوست، آفرینش آسمان‌ها و زمین و آنچه از جنندگان در آنها منتشر ساخته است.

۱- البته در میان آیات ۵- ۱۷ سوره نحل برخی نکات علمی شگفت‌آور نیز وجود دارد که این‌گونه مطالب به قسم بعدی ملحق می‌شود.

هر چند برخی نشانه‌های کیهان‌شناختی برای وجود موجودات زنده و با شعور در کرات دور دست ادعا شده است اما دانشمندان کیهان‌شناخت هنوز نظریه قطعی در این زمینه ابراز نکرده‌اند و چیزی ثابت نشده است؛ ولی این مطلب را می‌توان بعنوان یکی از نظریه‌های علمی قرآنی، مبنای تحقیقات تجربی کیهان‌شناختی وسیع قرار داد.^۱

۲. نظریه گسترش آسمان‌ها: این دیدگاه از برخی آیات قرآن همچون آیه ۴۷/ذاریات قابل استفاده است، که می‌فرماید: «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ»، یعنی: و ما آسمان را با دست (قدرت) بنا کردیم و همواره آن را گسترش می‌دهیم.

در مباحث علمی فیزیک کیهانی دو دیدگاه در مورد آسمان‌ها وجود دارد: یکی دیدگاه انبساط جهان و دیگری دیدگاه انقباض جهان. (نک، هاوکینگ، ۵۸) و برای هر کدام شواهدی مطرح گردیده ولی اثبات نشده است. از آیه فوق دیدگاه انبساط جهان قابل برداشت است. (نک: رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱/۱۴۲) و می‌تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای تحقیقات کیهان‌شناسی قرار گیرد.

۳. نظریه هفت آسمان: در قرآن کریم بارها از «هفت آسمان» یاد شده است، از جمله در سوره البقره، ۲۹، الاسراء، ۴۴، المومنون، ۱۷ و ۸۶، فصلت، ۱۲، الطلاق، ۱۲، نوح، ۱۵، نبأ، ۱۲.

در حالی که علوم کیهان‌شناسی از یک آسمان با هزاران کهکشان و ستاره و سیاره سخن می‌گویند و در مورد آسمان‌های دیگر سکوت می‌کنند. چون وسایل ستاره‌شناسی فعلی بشر و سفرهای فضایی توانایی کشف بیش از این را ندارد؛

قرآن کریم مساله هفت آسمان را به صورت قاطع مطرح کرده است و این مساله نیز می‌تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای مطالعات کیهان‌شناختی وسیعی قرار گیرد. البته در مورد هفت آسمان معانی و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در تفسیر آیات فوق

۱- نک: تفاسیر قرآن ذیل آیه ۲۹/شوری مثل نمونه، الجواهر الطنطاوی و قرآن و علم امروز، عبدالغنی الخطیب.

نظریه پردازی‌های علمی قرآن ۶۳

باید به آنها توجه کرد، و مطلب فوق براساس آن بود که عدد هفت واقعی و مقصود از آسمان‌ها، محل کرات باشد. (نک: مرادی، بهبودی، نیز رضائی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱/۱۲۶ به بعد)

۴. نظریه آفرینش مستقیم انسان از خاک: مساله آفرینش نخستین آدم از خاک در کتاب‌های آسمانی به ویژه قرآن کریم مطرح شده است و برخی آیات قرآن بر آفرینش انسان از خاک و گل دلالت دارد. مثل: الانعام، ۹۸، آل عمران، ۵۹، الرحمن، ۱۴، (هر چند برخی آیات دلالت‌های دیگری نیز دارد) و سال‌هاست که نظریه تکامل توسط لامارک و داروین ابراز شده که قائل به بوجود آمدن انسان از نسل حیوانات قبلی است.

معمولاً دانشمندان و مفسران خود را بین این دو دیدگاه محصور می‌دیدند. و یکی را انتخاب و دیگری را نفی می‌کنند و در این مورد کتاب‌های متعددی نیز نوشته شده است. (نک: سبحانی و مهاجری در کتاب‌های، خلقت انسان در قرآن و نظریه تکامل از دیدگاه قرآن) ولی می‌توان نظریه سوم را که شاید وجه جمع دو دیدگاه باشد مطرح کرد و آن اینکه تکامل زیستی در موجودات (اگر با شواهد قطعی اثبات شود) پذیرفتنی است و حتی ممکن است انسان‌هایی از نسل میمون به وجود آمده ولی بعداً منقرض شده باشند ولی حضرت آدم به عنوان پدر بشر فعلی به صورت استثنایی از خاک به طور مستقیم (ولو در زمان طولانی) آفریده شده است.

البته اینکه بسیاری از ویژگی‌های انسان فعلی در میمون‌ها موجود نیست بلکه در نظریه تکامل حلقه مفقوده‌ای بین میمون و انسان وجود دارد؛ می‌تواند شاهدی برای این دیدگاه باشد. این نظریه می‌تواند به‌عنوان یک نظریه علمی قرآنی در آفرینش انسان مبنای پژوهش‌های زیست‌شناسی باشد و درکنار نظریه تکامل و فیکسیم مطرح گردد و بدنبال شواهد تجربی آن از باستان‌شناسی و زیست‌شناسی باشیم. البته قرآن کریم در مورد نظریه تکامل مباحث مفصلی وجود دارد و آیات موافق و مخالف نظریه تکامل و دیدگاه مفسران نیازمند بحث گسترده است که در برخی کتاب‌ها آمده است. (نک: مشکینی؛ رضائی اصفهانی، پیشین، جلد ۲)

۵. نظریه‌پردازی‌های قرآن در زمینه علوم انسانی، مثل مبانی مدیریت در قرآن، مبانی و اصول اقتصاد در قرآن، مبانی سیاست در قرآن و مبانی اصول علوم تربیتی در قرآن، که اگر این‌گونه موارد به خوبی مورد توجه و کاوش قرار گیرد، می‌تواند انقلابی در جهان علوم انسانی پدید آورد، و چهره جهانی را در قرن بیست و یکم تغییر دهد، و به سلطه فرهنگی غرب بر شرق پایان بخشد.

برای نمونه:

از آیات قرآن خدا محوری استفاده می‌شود، یعنی خدا سرچشمه همه موجودات و منتهای سیر همه موجودات است «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (البقره، ۱۵۶) و اصولاً ارزش کارها به رنگ الهی (صبغة الله، البقره، ۱۳۵) و فی در راه خدا بودن است. در حالی که مبنای علوم انسانی جدید انسان محوری است که این مطلب در علوم انسانی بویژه علوم تربیتی و علوم سیاسی تاثیر بسیاری دارد و جهت خاصی به آنها می‌دهد.

در اقتصاد نیز مبنای اقتصاد اسلامی بدون ربا پایه‌گذاری شده است در حالی که اقتصاد جدید غرب براساس سیستم ربا (به ویژه در بانکداری) شکل گرفته است اگر این مبنای قرآنی در بانکداری جاری شود به سیستم جدیدی رهنمون می‌شویم. علوم سیاسی جدید در غرب براساس جدایی دین از سیاست و امور دنیوی (سکولاریسم) بنیان نهاده شده است در حالی که سیاست در قرآن بر مبنای دخالت دین در سیاست پایه‌گذاری شده است از این رو بسیاری از آیات قرآن مسائل حکومتی و اصول سیاست خارجی و قوانین صلح و جنگ و... را بیان می‌کند.

و همچنین است لزوم رعایت مبانی اخلاقی و اصل عدالت و فقرزدایی در مدیریت و توجه به بعد روحانی انسان علاوه بر بعد جسمانی در روانشناسی و...

آری بسیاری از آیات قرآن اشارات صریح یا غیرصریح به مبانی علوم انسانی دارد که شمارش آنها نگارش مقالات بلکه کتاب‌های متعددی را می‌طلبد. (دراین مورد نک: نجاتی، نوروزی و نبوی در کتاب‌های، قرآن و روانشناسی، نظام سیاسی اسلام، مدیریت اسلامی)

مبانی و قواعد برداشت علمی از قرآن

از آن جا که نظریه پردازی‌های علمی قرآن زیرمجموعه مباحث تفسیر علمی قرآن است، مبانی و قواعد خاصی می‌طلبد که در این جا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. قطعی نبودن غالب مطالب علوم تجربی:

علوم تجربی حاصل کاوش‌ها و تجربه‌های بشری است که در طی قرن‌ها بر هم انباشته شده است، تا قبل از نیمه دوم قرن بیستم میلادی، علوم تجربی را به دو شاخه نظریه‌های علمی اثبات نشده و قانون‌های علمی اثبات شده تقسیم می‌کردند. و اگر نظریه علمی به وسیله مشاهده و تجربه‌های مکرر تأیید می‌شد آن را اثبات شده و قانون علمی می‌دانستند.^۱

اما پس از آن و با پیدایش نظریات جدید در فلسفه علم، روشن شد که علوم تجربی افسانه‌های مفیدی است که در صحنه طبیعت و زندگی کاربرد دارد اما هیچ‌گاه به صورت قانون در نمی‌آید.

یعنی در تشکیل یک نظریه علمی نخست ما به مسأله و مشکلی برخورد می‌کنیم، و در مرحله دوم راه حلی برای آن حدس می‌زنیم. سپس در مرحله سوم قضایای قابل مشاهده و تجربه از آن راه حل استنتاج می‌کنیم و در مرحله چهارم اقدام به ابطال این قضایا می‌کنیم. و اگر این قضایا باطل نشود، آن نظریه، تا هنگامی که نظریه بهتری پیدا و جایگزین آن نشود در علم باقی می‌ماند و مبنای عمل قرار می‌گیرد.^۲

۱- در این مورد اشکالات متعددی به نحوه استقرای ناقص علوم شده است و پاسخ‌هایی نیز داده شده‌است. (نک: مبانی فلسفه، دکتر علی اکبر سیاسی، ص ۴۱۰-۲۴۴؛ علم و دین، ایان باربور، ترجمه خرمشاهی، ص ۳ و صص ۴۱۳-۲۱۴؛ الأُسس المنطقیة للإستقراء، شهید صدر، ص ۱۳۵ و صص ۴۸۳-۴۰۰؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده، صص ۸۵-۲۰۰).

۲- این دیدگاه پوپر (متوفی ۱۳۷۳ش) است. نک: حدسها و ابطالها و منطق اکتشافات، تألیف پوپر، ترجمه احمد آرام؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، صص ۲۰۰-۲۰۴.

بنابر این، علوم تجربی اثبات پذیر نیست بلکه ابطال پذیر است و در علم، قانون قطعی وجود ندارد.

البته اینکه قضایای علوم تجربی قطعی نیست (به معنای قطع معرفت شناختی) یعنی نمی‌توان گفت: فلان گزاره علمی حتماً مطابق واقع و تغییر ناپذیر است؛ اما برخی از قضایای علوم تجربی قطعی‌اند (به معنای قطع روانشناختی). یعنی گاهی گزاره علمی از راه مشاهده یا به وسیله قراین دیگر مثل بدهی می‌گردد. همچون «حرکت زمین» که در عصر ما مثل بدهی شده است. همان‌طور که گاهی انسان به وسیله قراین خارجی یا دلایل عقلی که مطلب را پشتیبانی می‌کند، در مورد یک گزاره علمی به قطع می‌رسد.

در تفسیر علمی بین علوم تجربی قطعی و نظریه‌های ظنی علوم تجربی تفاوت گذاشته می‌شود. و استفاده از نوع دوم در تفسیر علمی قرآن صحیح نیست، چرا که نظریه‌های ظنی علوم گاهی صدها سال در حوزه علم می‌ماند سپس تغییر می‌کند،^۱ پس نمی‌توان تفسیر قرآن را بر آن‌ها بنا نهاد.

ب: وجود اشارات علمی در قرآن و لزوم استفاده از علوم تجربی در فهم و تفسیر آنها:

در قرآن کریم بیش از ۱۳۲۲ آیه وجود دارد که به مطالب علمی و طبیعت و انسان و... اشاره دارد. (الحبال، الجواری، ۳۵-۳۶) که این آیات حداقل سه‌گانه است:

اول: اشارات علمی به پدیده‌های طبیعی مثل حیوانات و طبیعت. (نک: العاشیه، ۱۷ و النحل، ۵-۱۴) که به ظاهر نکته شگفت‌انگیز یا اعجاز‌آمیزی را در بر ندارد. ولی همین اشارات علمی توجه انسان را به طبیعت و کیهان و... جلب کرده و زمینه‌ساز پیشرفت علوم تجربی در جهان اسلام شده است.

۱- همچون نظریه بطلمیوسی (ptomaos - قرن دوم میلادی) در مورد این که زمین مرکز جهان است و خورشید و ستارگان در هفت فلک به دور آن می‌چرخند. این نظریه حدود چهارده قرن بر فکر بشر سایه افکنده بود. سپس توسط کپلر و کپرنیک و گالیله دگرگون شد و دیدگاه کنونی (یعنی حرکت زمین به دور خورشید) جای آن را گرفت.

نظریه پردازی‌های علمی قرآن ۶۷

دوم: اشارت شگفت‌انگیز علمی قرآن، یعنی آیاتی که به مطالب علمی ویژه‌ای اشاره می‌کند صدور آنها از یک فرد درس ناخوانده در محیط جزیره العرب در صدر اسلام بسیار بعید بوده است، برای مثال اشارات قرآن به حرکت زمین (النحل، ۸۹) که بر خلاف هیئت بطلمیوسی و دیدگاه مشهور کیهان‌شناسی در آن عصر بوده است.

البته این‌گونه موارد اعجاز علمی قرآن بشمار نمی‌آید چرا که مثلاً در مورد حرکت زمین دیدگاه غیرمشهور در یونان قبل از اسلام وجود داشته است. (نک: شهرستانی، ۴۴)

سوم: اشارات اعجاز‌آمیز علمی قرآن، یعنی گاهی قرآن کریم به زوجیت عام موجودات، (یس، ۳۶) نیروی جاذبه، (الرعد، ۲، لقمان، ۱۰) حرکت‌های خورشید، (یس، ۳۸) مراحل آفرینش انسان (الحج، المومن، ۲۲-۱۴) و لقاح ابرها (حجر، ۲۲) اشاره کرده که تا قرن‌ها بعد از اسلام کسی از این حقایق علمی با خبر نبوده است، این اشارات نوعی رازگویی و اخبار غیبی قرآن بشمار می‌آید. تفسیر علمی قرآن شرحی بر همین اشارات علمی قرآن است.

ج: همه علوم از ظواهر آیات قرآن قابل استفاده نیست.

هر چند که اشارات علمی زیادی در قرآن کریم وجود دارد، و حتی قرآن خود را بیان‌کننده همه چیز معرفی می‌کند، «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (النحل، ۸۹) اما همه علوم بشری در ظواهر آن وجود ندارد چرا که چنین ادعائی خلاف بدهت است و آیه شریفه نیز قید لُبی دارد یعنی هر چیزی که در رابطه با هدایت بشر است در قرآن موجود است.^۱

بنابراین همان‌طور که گذشت استخراج علوم از قرآن صحیح نیست چون مبنای آن «وجود همه علوم در ظواهر قرآن است» و این مبنا مخدوش است. (نک: ادامه مقاله)

۱- برخی از مفسران تصریح کرده‌اند که مقصود آیه ۸۹/نحل بیان مسائل هدایتی است از جمله: طباطبایی ۳۲۵/۱۴؛ طبرسی ۲۹۸/۴؛ زمخشری، ۲/۲۱ و ۳۱.

د: رابطه سازگارانه بین قرآن و علم:

قرآن کریم بارها انسان‌ها را به دانش‌افزایی فراخوانده است، و یا دانشمندان را تشویق و تمجید کرده است. و همانطور که گذشت در موارد متعددی مطالب اعجاز‌آمیز یا شگفت‌آمیز علمی بیان کرده است، قرآن کریم هیچگاه سرستیز با علم و عالمان راستین نداشته است بلکه رابطه قرآن و علم سازگارانه و مثبت است. و تفسیر علمی قرآن نوعی توضیح همین میناست.

البته برخی تعارضات ظاهری و ابتدائی بین قرآن و علم ادعا یا توهم شده که با تأمل و دقت در آیات و علوم، بر طرف می‌شود، و تعارض مستقر و حقیقی بین قرآن و علم وجود ندارد. و همین مطلب نیز در ضمن تفسیر علمی روشن می‌شود.

هـ هدف اصلی قرآن هدایت مردم به سوی خداست.

در قرآن مکرر بیان شده که این کتاب برای هدایت مردم (البقره، ۲ و ۹۷ و ۱۸۵، آل عمران، ۱۳۸، الاعراف، ۲۰۳) و خارج ساختن آنان از تاریکی‌ها به سوی نور است، (ابراهیم، ۱) بنابراین اگر اشارات علمی در قرآن وجود دارد در همین راستاست یعنی اشارت علمی قرآن گاهی به عنوان نشانه‌های خدا (الرعد، ۴) و گاهی به عنوان شواهد معاد (الحج، ۵) بیان شده است پس بیان مطالب علمی هدف اصلی قرآن نیست و قرآن کتاب کیهان‌شناسی و فیزیک و... نیست.

روش‌شناسی برداشت علمی از قرآن:

از آن‌جا که نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن، زیرمجموعه روش تفسیر علمی قرآن قرار می‌گیرد و این روش تفسیری دارای گونه‌های مختلف است لازم است این گونه‌ها مشخص شود تا جایگاه نظریه‌پردازی و رمز آن از تفسیر به رأی و تحمیل بر قرآن روشن شود.

الف) استخراج همه علوم از قرآن کریم

طرفداران قدیمی تفسیر علمی؛ مانند: ابن ابی‌الفضل المرسی، غزالی و ... کوشیده‌اند تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند؛ زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد و در این راستا، آیاتی را که ظاهر آن‌ها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می‌کردند و هر گاه ظواهر قرآن کفایت نمی‌کرد، دست به تأویل، می‌زدند و ظواهر آیات را به نظریات و علمی که در نظر داشتند، بر می‌گرداندند و از این جا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیأت، جبر، مقابله و جدل را از قرآن استخراج می‌نمودند.

برای مثال، از آیه شریفه «إِذَا مَرَضْتُ فَبُهِتَ النَّاسُ وَ هِيَ كَمَا عَلَّمْتُكُمْ أَصْحَابُ الْبَيْتِ لَقَدْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ هَذَا أَجْمَعِينَ» (الشعراء، ۸۰) ابراهیم (ع) نقل می‌کند که: وقتی من بیمار شدم، اوست که شفامی دهد، علم پزشکی را استخراج کردند (غزالی، فصل پنجم) و علم جبر را از حروف مقطعه اوایل سوره‌ها استفاده کردند (معرفت، ۴۸۱/۲ به نقل از مرسی) و از آیه شریفه «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» زمین لرزه سال ۷۰۲ هجری قمری را پیش بینی کردند.

روشن است که این نوع تفسیر علمی، منجر به تأویلات زیاد در آیات قرآن، بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر و معانی لغوی آن‌ها می‌شود. از همین روست که بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجازگویی دانسته‌اند (معرفت، التفسیر والمفسرون، ۴۶۴/۲ - ۴۹۵) که البته در این قسم از تفسیر علمی، اشکالات وارد است.

ب) تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم

این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر رواج یافته و بسیاری از افراد با مسلم پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی سعی کردند تا آیاتی موافق آنها در قرآن بیابند و هرگاه آیه‌ای موافق با آن نمی‌یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را بر خلاف معانی ظاهری، حمل می‌کردند.

مثال این‌گونه تفسیر، در تفسیر آیه ۱۸۹/ اعراف از عبدالرزاق نوفل بیان شد که «نفس» را، به معنای پروتون و «زوج» را الکترون معنا کردند و گفتند: منظور قرآن، این است که همه شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است، آفریدیم. (نوفل، ۱۵۶) در این تفسیر، حتی معنای لغوی و اصطلاحی نفس را نکردند.

این‌گونه تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی برخی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق تفسیر علمی گردید و یک سره تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریات و عقاید بر قرآن طرد کردند، چنان‌که علامه طباطبایی، تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد. (طباطبایی، ۶/۱ به بعد)

البته در مورد این نوع تفسیر علمی، حق با مخالفان آن است؛ چرا که مفسر در هنگام تفسیر باید از هرگونه پیش‌داوری خالی باشد، تا بتواند تفسیر صحیح انجام دهد و اگر با انتخاب یک نظریه علمی، آن را بر قرآن تحمیل کند، یا در طریق تفسیر به رأی، گذاشته که در روایات وعده عذاب به آن داده شده است.

ج) استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کند.

یعنی تلاش می‌کند که با استفاده از مطالب قطعی علوم - که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می‌شود - و با ظاهر آیات قرآن - طبق معنای لغوی و اصطلاحی - موافق است، به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان‌های تشنه حقیقت قرار دهد. این شیوه تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

ما در مبحث آینده، معیار این‌گونه تفسیر را، به‌طور کامل بیان خواهیم کرد، اما در این جا تأکید می‌کنیم که در این شیوه تفسیری، باید از هرگونه تأویل و تفسیر به رأی، پرهیز کرد و تنها به‌طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت؛ زیرا علوم تجربی به‌خاطر

نظریه پردازی‌های علمی قرآن ۷۱۴

استقرای ناقص، و مبنای ابطال پذیری که اساس آن‌هاست، کمتر می‌تواند مطلب علمی قطعی بیان کند. برای مثال، آیه شریفه «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» (یس، ۳۸)، یعنی: خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد. در زمان صدر اسلام که نازل شد، مردم همین حرکت حسی و روزمره خورشید را می‌دانستند؛ به این ترتیب از این آیه، همین حرکت را می‌فهمیدند، در حالی که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است؛ زیرا خطای حس باصره ماست و در حقیقت، زمین در حرکت است. از این رو ما خورشید را متحرک می‌بینیم، همان‌طور که شخص سوار بر قطار، خانه‌های کنار جاده را در حرکت می‌بیند و با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، روشن شد که خورشید هم، خود دارای حرکت انتقالی است (نه حرکت کاذب، بلکه واقعی) و خورشید، بلکه تمام منظومه شمسی و حتی کهکشان راه شیری در حرکت است. (اوبلاکر، ۴۵ ۴۸) پس می‌گوییم اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه قرآن هم می‌گوید که خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی (حرکت انتقالی و...) خورشید است. علاوه بر آن، قرآن از «جریان» خورشید سخن می‌گوید نه حرکت آن، و در علوم جدید کیهان‌شناسی بیان شده که خورشید حالت گازی شکل دارد که در اثر انفجارات هسته مرتب زیر و زبر می‌شود (همانجا) و در فضا جریان دارد و همچون گلوله‌ای جامد نیست که فقط حرکت کند، بلکه مثل آب در جریان است.^۱

عناصر نظریه پردازی علمی قرآنی

با توجه به مطالبی که گذشت می‌توان نظریه پردازی علمی قرآنی را این‌گونه تعریف کرد: «خبر دادن قرآن از حقایق علمی، قبل از تأیید آن در علوم، که گاهی موجب توسعه یا تضییق حوزه‌ها و ابعاد علم می‌شود».

۱ برای اطلاع از مثال‌های بیشتر: نک: رضائی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن.

در این تعریف عناصر زیر لحاظ شده است:

۱- نظریه‌های علمی قرآنی، زیرمجموعه اخبار غیبی قرآن است که به صورت پیشگویی علمی جلوه‌گر می‌شود و به جامعه علمی عرضه می‌شود.

۲- قرآن حقایق علمی را بیان می‌کند، بنابراین تردیدهایی که در نظریه و تئوری‌های علمی وجود دارد در نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن وجود ندارد. به عبارت دیگر تعبیر «نظریه» در مورد مطالب قرآنی با تسامح استعمال می‌شود. البته از آن‌جا که نظریه قرآنی توسط اشخاص از قرآن برداشت می‌شود امکان خطا در استنباط اشخاص وجود دارد. ولی حقایق قرآنی خطاناپذیر است.

۳- اخبار غیبی قرآن دوگونه است: برخی اخبار مربوط به گذشته است و برخی مربوط به آینده، که موضوع بحث نظریه‌پردازی قسم اخیر است و اخبار غیبی مربوط به آینده نیز دو بخش است یک بخش اخباری است که بعد از نزول قرآن تاکنون توسط دانشمندان یکی از علوم بشری تأیید یا اثبات شده است که اعجاز علمی نامیده می‌شود (البته اگر شرایط دیگر اعجاز علمی را دارا باشد) و بخش دوم اخبار غیبی است که هنوز در علم تأیید نشده است مثل مسأله هفت آسمان «سَبْعَ سَمَاوَاتٍ» و وجود موجودات زنده در آسمان‌ها «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَيَّ جَمْعُهُمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ» (الشوری، ۲۹)، یعنی: و از نشانه‌های اوست آفرینش آسمان‌ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آن دو پراکنده کرده است؛ و او هر گاه بخواهد بر جمع‌آوری آنها تواناست. موضوع نظریه‌پردازی علمی قرآنی همین بخش اخیر از اخبار غیبی قرآن است.

۴- نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی گاهی موجب توسعه در علوم می‌شود.

برای مثال وقتی نظریه «شفاء بودن قرآن» «وُنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (الاسراء، ۸۲)، یعنی: و از قرآن، آنچه را که آن درمان و رحمتی برای مؤمنان است، فرو می‌فرستیم. می‌گوید فضای جدیدی را به روی علوم پزشکی می‌گشاید و عامل معنوی قرآن را در ردیف عوامل دیگر در شفای دردهای جسمانی می‌گشاید همان‌طور که

نظریه پردازی‌های علمی قرآن ۷۳

قرآن شفای دردهای عقیدتی، اخلاقی و روحی - روانی انسان است. و گاهی نیز قرآن سخن از اقتصاد بدون ربا می‌گوید: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (البقره، ۲۷۵)، یعنی: آن‌که خدا معامله را حلال کرده و ربا را حرام نموده است. این نظریه قرآنی اقتصاد جدیدی را سامان می‌دهد و موجب تضييق حوزه اقتصادی می‌شود هر چند که نتایج مفیدی نیز در شکوفایی و رشد هماهنگ و درست اقتصاد در پی خواهد داشت.

ضوابط نظریه پردازی‌های علمی قرآن

برای استنباط نظریه‌های علمی از قرآن (علاوه بر مبانی، روش‌شناسی و شرایطی که در تفسیر قرآن و در روش خاص تفسیر علمی بیان شده است)،^۱ ضوابط و مقرراتی وجود دارد که رعایت آن‌ها موجب می‌شود تا برداشت نظریه علمی از قرآن معتبر گردد و عدم توجه به این ضوابط موجب عدم اعتبار نظریه علمی قرآن یا گاهی منتهی به تفسیر به رأی می‌شود. از این رو رعایت این ضوابط ضروری است.

در این جا به مهم‌ترین ضوابط برداشت نظریه‌های علمی از قرآن اشاره می‌کنیم:

۱- نظریه علمی قرآنی از نص یا ظاهر آیات قرآن قابل برداشت باشد. یعنی نظریه علمی بر قرآن تحمیل نشده باشد و گرنه تفسیر به رأی می‌شود. بلکه قرائن درون قرآنی و مستندات در متن آیات داشته باشد. به عبارت دیگر دلالت مطابقی، تضمینی یا التزامی آیات قرآن بر آن نظریه دلالت کند. تا بتوان آن را به قرآن نسبت داد و از نظر تفسیری معتبر باشد.

۲- نظریه علمی استنباط شده از قرآن قبل از نزول قرآن در آثار علمی مطرح نشده باشد و بعد از نزول قرآن نیز تاکنون دانشمندان آن را مطرح و تأیید نکرده باشند. به عبارت دیگر آن نظریه علمی از ابتکارات قرآن به شمار آید.

۱- ر.ک: منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر قرآن و نیز منطق تفسیر قرآن (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن (مبحث روش تفسیر علمی) و نیز درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده.

۳- نظریه علمی قرآنی، نوعی نوآوری در یکی از حوزه‌های علم مثل مبانی، روش، نظام و... به شمار آید. یعنی اثبات آن در بخشی از علم تحول‌ساز باشد. البته به‌خاطر گستره موضوعات و معارف قرآنی این نوآوری و تحول می‌تواند در مباحث نظری و یا مباحث علمی باشد.

۴- نظریه‌پردازی علمی قرآن امکان اثبات و تأیید علمی داشته باشد. البته ابزارهای تأیید و اثبات هر نظریه علمی، براساس حوزه دانش مربوطه متفاوت است. برای مثال نظریه هفت آسمان، مسأله‌ای میان رشته‌ای بین دانش قرآنی و کیهان‌شناسی است و به صورت طبیعی اثبات آن با ابزارهای نجومی و با روش تجربی است اما برای اثبات و تأیید نظریه شفا بودن قرآن در بُعد اعتقادی، اخلاقی و معنوی نیازمند ابزارها و روش‌های خاص آن هستیم.

به هر حال اگر نظریه علمی اصلاً امکان اثبات و ردّ نداشته باشد. قابل طرح در محافل علمی نخواهد بود. چون در این صورت نظریه علمی به شمار نمی‌آید. البته لازم به یادآوری است که نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی به اعتبار شخص نظریه‌پرداز که آن مطلب علمی را از قرآن برداشت کرده است قابل ردّ است نه اصل حقایق قرآنی. چون ممکن است آن شخص در برداشت خود خطا کرده باشد.

حوزه‌های نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی

نظریه‌پردازی‌های علمی معمولاً در یکی از حوزه‌ها و ابعاد دانش نوآوری می‌کنند و تحول آفرین می‌شوند، نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی نیز همین‌گونه است مهم‌ترین حوزه‌های نظریه‌پردازی در هر دانش عبارتند از:

۱- در مورد نوآوری و نظریه‌پردازی هنوز مرزبندی دقیقی صورت نگرفته است، لیکن روشن است که هر نظریه‌پردازی منطقی باید شامل نوآوری نیز باشد.

۱- مبانی:

گاهی نظریه پردازی‌های قرآنی در حوزه مبانی علوم است یعنی مبانی جهان‌شناسی و انسان‌شناسی قرآن در جهت دهی به علوم مؤثر واقع می‌شود. مثلاً علوم تربیتی یا علوم سیاسی در عصر کنونی بر اساس انسان‌محوری سامان یافته است و همین علوم را می‌توان بر اساس خدامحوری و توحید سامان داد که مبنایی متخذ از قرآن کریم است.

۲- روش‌ها:

در هر دانش روش‌های عام عقلی یا نقلی یا شهودی و یا تجربی وجود دارد که تأثیر تام در شکل‌گیری آن علم دارد. اما در هر دانش روش‌های خاص نیز وجود دارد، مثل روش‌های تربیت در علوم تربیتی.

قرآن کریم در آیات متعدد به روش‌های عام علوم اشاره کرده است^۱ و نیز گاهی به روش‌های خاص اشاره کرده است.

جالب این است که آموزه‌های قرآنی گاهی در روش‌های عام علوم و گاهی در روش‌های خاص آن‌ها عناصری را داخل می‌کند و نظریه‌ای نو را در حوزه روش‌های یک دانش مطرح می‌کند.

۱- قرآن کریم به روش‌های علمی یعنی چهار قسم علوم فوق و منابع مختلف علم اشاره کرده است؛ یعنی: گاهی به شیوه عقلی توجه کرده و انسان‌ها را به خردورزی و تفکر فرا می‌خواند و تشویق می‌کند. (در مورد تعقل نک: البقره، ۷۳ و ۲۴۲، یوسف، ۲، الانبیاء، ۱۰، المومنون، ۸۰، الزخرف، ۳ و در مورد تفکر نک: البقره، ۲۱۹، الروم، ۸، آل عمران، ۱۹۱، النحل، ۴۴، الحشر، ۲۱ و...)

و گاهی توجه انسان را به طبیعت جلب می‌کند و او را به کیهان‌شناسی و طبیعت‌شناسی و انسان‌شناسی و... تشویق می‌کند. (نک: آیات سوره الرعد، ۲ به بعد، الحج، ۵، المومنون، ۱۲-۲۱، النحل، ۳-۱۷ و...)

و گاهی توجه انسان را به عمق تاریخ جلب می‌کند و داستان‌های عبرت‌آموز پیامبران و ملت‌های پیشین را بیان می‌کند، و یا وقایع تاریخی صدر اسلام (همچون جنگ‌ها و...) را گزارش و ثبت می‌کند. (نک: سوره الانبیاء، یونس، یوسف و الکهف و...)

و گاهی از وحی و الهامات الهی به انسان‌ها سخن می‌گوید (الشوری، ۵۱، المومنون، ۲۷، طه / ۳۸) و علم الهی را که از نزد خدا به برخی انسان‌ها می‌رسد (= علم لدنی) گوشزد می‌کند. («وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (الکهف، ۶۵))

برای مثال علوم تربیتی بر اساس روش تجربی استوار است اما قرآن در کنار این روش عام روش شهودی را در آن مطرح می‌کند و علاوه بر طرح عنصر وحی در تربیت انسان از الهامات خوب و بد به نفس انسان سخن می‌گوید. «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (الشمس، ۷-۸)، یعنی: سوگند به نفس و آن‌که آن را مرتب ساخت * و بد کاری‌اش و پارسایی‌اش را به او الهام کرد!، و حتی از معلمی سخن می‌گوید که با علم لدنی به تعلیم و تربیت می‌پردازد. «وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا» (الکهف، ۶۷)، یعنی: و دانشی از نزد خویش به او آموخته بودیم.

همان‌طور که از نقش تجربه در تربیت انسان غافل نیست و همگان را به گردش‌گری در زمین و عبرت‌آموزی از تجارت و آثار گذشتگان فرا می‌خواند. «يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ» (یوسف، ۱۰۹)، یعنی: پس آیا در زمین گردش نکرده‌اند، تا بنگرند، چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بودند؟

و نیز قرآن در روش‌های خاص تربیتی از روش ترکیه و تلاوت یاد می‌کند، «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (الجمعه، ۲)، یعنی: او کسی است که در میان درس‌ناخواندگان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت؛ که آیاتش را بر آنان می‌خواند [و پیروی می‌کند] و رشدشان می‌دهد [و پاکشان می‌گرداند] و کتاب [خدا] و فرزنگی به آنان می‌آموزد؛ درحالی که قطعاً، از پیش در گمراهی آشکاری بودند. که در روش‌های مرسوم علوم تربیتی رایج مطرح نیست.

۳- هدف‌دهی

یکی از حوزه‌های نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن، جهت‌دهی به اهداف علوم است. قرآن کریم جهان را از خدا و به سوی خدا می‌داند، «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (البقره، ۱۵۶)، یعنی: در حقیقت ما از آن خداییم و در واقع ما فقط به سوی او بازمی‌گردیم و لقاء الله را نهایت کمال انسان معرفی می‌کند، «بِأَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»

نظریه پردازی های علمی قرآن / ۷۷

(الانشقاق، ۶)، یعنی: ای انسان! در حقیقت، تو به سوی پروردگارت کاملاً تلاش می کنی (و رنج می کنی) و او را ملاقات می کنی.

از این رو باید تمام فعالیت های انسانی در این مسیر رهبری شود.

بنابراین لازم است که انسان برای خدا علم بیاموزد و در راه او به کار برد و بر این اساس علوم با هدف الهی و در خدمت کمال بشر سامان می یابد. از این رو علوم طبیعی مثل فیزیک هسته ای نمی تواند با هدف بمب سازی و نابودی بشر جهت دهی شود و نیز علوم انسانی مثل اقتصاد و سیاست باید در خدمت بشر و در چهارچوب آموزه های قرآنی جهت دهی شود. از این رو علوم انسانی سکولار و اومانیستی به کنار می رود.

۴- نظام سازی

از آیات قرآن با روش تفسیر موضوعی می توان نظام های حقوقی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی و... را برداشت کرد. که هرکدام از آنها می تواند به عنوان نظریه های علمی قرآن مطرح شود چراکه شامل عناصر نوآمد و متمایز از نظام های همخوان در علوم جدید است. برای مثال نظام های سیاسی معاصر عموماً از پایین به بالا طراحی شده است و مشروعیت رهبران جامعه از مردم گرفته می شود در حالی که نظام سیاسی قرآنی از بالا به پایین طراحی شده است، «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (النساء، ۵۹)، یعنی: خدا را اطاعت کنید و فرستاده [ی خدا] و صاحبان امر (خود)تان را اطاعت نمایید، یعنی رأی مردم به رهبران جامعه از باب مقبولیت است و مشروعیت آنها باید از ناحیه نصب الهی تأمین شود.

۵ - موضوع سازی

گاهی نظریه پردازی های علمی قرآن در حوزه موضوع سازی برای علوم مختلف است که این مطلب گاهی افق های جدیدی را در برابر دانشمندان می گشاید.

برای مثال در روان‌شناسی سخن از انسان دو بعدی است که مرکب از جسم و روان است و حتی روان یکی از خواص مادی انسان معرفی می‌شود. ولی سخنی از روح گفته نمی‌شود. اما قرآن علاوه بر جسم سخن از روح الهی انسان می‌گوید، «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (الحجر، ۲۹ و ۷۲)، یعنی: و از روح خود در او دمیدم، اگر به این نظریه قرآنی توجه شود و حوزه پژوهش‌های روان‌شناسی به روح‌شناسی و نفس‌شناسی و مراتب آن در قرآن گسترش یابد مطمئناً چهره این دانش تغییر می‌کند.

نمونه‌هایی از نظریه‌پردازهای علمی قرآن

در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها نظریه‌های علمی جدید استنباط کرد. که جمع‌آوری این نمونه‌ها خود کتابی مستقل می‌طلبد. اینک در این‌جا به صورت فهرست‌وار به شماری از مهم‌ترین آن‌ها بر اساس رشته‌های علمی اشاره می‌کنیم:

الف: در حوزه علوم طبیعی

۱- کیهان‌شناسی

- ۱-۱- وجود موجودات زنده در آسمان که هنوز در کیهان‌شناسی اثبات نشده است. «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا» (الشوری، ۲۹)، یعنی: و از نشانه‌های اوست آفرینش آسمان‌ها و زمین و آنچه از جنندگان در آن دو پراکنده کرده است.
- ۱-۲- هفت آسمان که در آیات متعدد قرآن مطرح شده ولی هنوز در کیهان‌شناسی یک آسمان بیش‌تر کشف نشده است. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ» (الطلاق، ۱۲)، یعنی: خدا کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین (نیز) همانند آنها را.
- ۱-۳- وجود نیروهایی غیر از نیروی جاذبه بین کرات آسمانی که هنوز کشف نشده است، چرا که «عمد» جمع عمود است. «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (لقمان، ۱۰)، یعنی: (خدا) آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آنها را ببینید آفرید.

۲- زیست‌شناسی

۲-۱- سخن گفتن حیوانات با همدیگر از جمله مورچه در مواجهه با حضرت سلیمان و لشکریانش و فهمیدن زبان آن‌ها توسط انسان. «حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (لقمان، ۱۰)، یعنی: تا هنگامی که (لشکریان سلیمان) به سرزمین مورچگان رسیدند، مورچه‌ای گفت: ای مورچگان، به خانه‌هایتان داخل شوید تا سلیمان و لشکریانش هرگز شما را پایمال نکنند، در حالی که آنان (با درک حسی) متوجه نمی‌شوند.

۲-۲- سخن گفتن انسان با حیوانات و بالعکس در جریان هدهد و سلیمان.

«فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطُ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ» (النمل، ۲۲)، یعنی: و (مدتی) نه چندان دراز درنگ کرد (تا هدهد آمد) و گفت: به چیزی احاطه یافتم که تو بدان احاطه نیافته‌ای؛ و از (سرزمین) سبا خبر بزرگ یقینی، برای تو آورده‌ام.

۳- پزشکی

۳-۱- شفا بودن قرآن برای دردهای جسمانی، روحی، روانی و... «وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ» (الاسراء، ۸۲)، یعنی: و از قرآن، آنچه را که آن درمان و رحمتی برای مؤمنان است، فرو می‌فرستیم.

۴- هواشناسی

۴-۱- تأثیر امور معنوی در بارش باران.

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» (نوح، ۱۰-۱۱)، یعنی: و گفتم: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ [چرا] که او بسیار آمرزنده است * تا (باران) آسمان را پی‌درپی بر شما [فرو] فرستد.

ب: در حوزه علوم انسانی

۱- علوم تربیتی

۱-۱- نظام تربیتی قرآنی

۱-۲- تأثیر آموزه‌های جهان‌شناسی و انسان‌شناسی قرآن در مبانی علوم تربیتی

۱-۳- تأثیر آموزه‌های قرآنی در حوزه روش‌های تربیتی

۱-۴- تأثیر آموزه‌های قرآنی در حوزه اهداف تربیت

تذکر: مثال‌های متعددی در این موارد گذشت.

۲- اقتصاد

۲-۱- نظام اقتصادی مبتنی بر قرآن.

۲-۲- اقتصاد بدون ربا (مثال آن گذشت)

۲-۳- تأثیر عوامل معنوی (تقوا) در رشد اقتصادی

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (الاعراف، ۹۶)، یعنی: و اگر (بر فرض) اهل آبادی‌ها

ایمان می‌آوردند و خودنگه‌داری می‌کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم؛ ولیکن (آنان حق را) تکذیب کردند؛ پس به خاطر آنچه همواره کسب می‌کردند، گرفتارشان کردیم.

۳- روان‌شناسی

۳-۱- تشکیل انسان از جسم و روح الهی (توضیح آن گذشت)

۴- حقوق

۴-۱- نظام حقوقی خاص قرآن

۵ - سیاست

۵-۱ - نظام سیاسی قرآنی (مشروعیت از بالا به پایین)

۶ - جامعه‌شناسی

۶-۱ - نظام اجتماعی مبتنی بر قرآن.

۶-۲ - سنت‌ها و قوانین ثابت حاکم بر جامعه

۷- مدیریت

۷-۱ - نظام مدیریتی مبتنی بر قرآن (مدیریت رحمانی)

۷-۲ - طرح عنصر شرح صدر در مدیریت

«قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاخْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي» (طه، ۲۵-۲۷)،

یعنی: (موسی) گفت: پروردگارا! سینهام را برایم بگشا * و کارم را برایم آسان گردان * و گره از زبانم بگشای.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم در حوزه‌های مختلف علوم حقایق علمی بیان کرده که هنوز در علم کشف و تأیید نشده است و این موارد می‌تواند به عنوان نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن به دانشمندان علوم جدید عرضه شود تا زمینه پژوهش‌های جدید و جهت‌دهی به مبانی و اهداف علوم فراهم گردد و منتهی به تولید علم جدید گردد. البته استنباط نظریه‌های علمی از قرآن دارای مبانی، روش و ضوابط خاصی است که اگر رعایت شود نظریه‌ای معتبر ارائه می‌شود.

کتابشناسی

۱- قرآن کریم.

۸۲ / پژوهش‌نامه قرآن و حدیث - شماره نهم (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)

- ۲- استغن ویلیام، هاو کینگ، تاریخچه زمان، مترجم: دادفر، حبیب الله، تهران، کیهان، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- ۳- اوبلاکر، اریک، فیزیک نوین، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ هـ.ش.
- ۴- باربور، ایان، علم و دین به ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۵- بحرانی، سید هاشم حسینی، البرهان فی تفسیر القرآن، دارالکتب العلمیة، قم، پنج جلدی، ۱۳۳۴ هـ.ش.
- ۶- یوپر، کارل، حدس‌ها و ابطال‌ها، ترجمه احمد آرام، تهران، ۱۳۶۸ هـ.ش.
- ۷- جوهری، طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی.
- ۸- چالمرز، آلن فرانسس، ۱۹۳۹ - م، چستی علم: درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی، ترجمه سعید زیباکلام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- ۹- حبال، محمد جمیل، مقدار مرعی الجوارى، العلوم فی القرآن (منهج تربوی الدرسته والتطبیق)، بیروت، دارالنفائس، ۱۴۱۸ هـ.ق.
- ۱۰- الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، قرآن و علم امروز، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- ۱۱- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سازمان سمت، تهران، مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ ۳، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- ۱۲- دیاب، عبدالحمید و قرقوز، طب در قرآن، ترجمه چراغی، تهران، انتشارات حفظی، بی تا.
- ۱۳- رضایی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- ۱۴- همو، منطق تفسیر قرآن روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، نشر جامعه المصطفی العالمیة، قم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۱۵- همو، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، قم، کتاب مبین، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- ۱۶- زمخشری، محمد. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و...، بیروت، انتشارات دارالکتاب العربی، ۱۳۶۵ هـ.ق.
- ۱۷- سبحانی، ید الله، خلقت انسان در بیان قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشارات، چاپ سوم، ۱۳۵۱ هـ.ش.
- ۱۸- سیاسی، علی اکبر، مبانی فلسفه، تهران، دانشگاه تهران، بی تا.
- ۱۹- شهرستانی، سید هبة الدین، (الاسلام والهیهة) اسلام و هیئت، ترجمه سید هادی خسرو شاهی،

نظریه پردازی های علمی قرآن ۸۳

- تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، بی تا.
- ۲۰- صدر، محمدباقر، الاسس المنطقية للاستقراء، بیروت، دارالمنعارف للمطبوعات الطبعة الرابعة، ۱۴۰۲ هـ.ق.
- ۲۱- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۳ هـ.ق.
- ۲۲- الطبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، المكتبة الاسلامية، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ هـ.ق.
- ۲۳- غزالی، ابوحامد، جواهر القرآن، دمشق - بیروت، المرکز العربی للکتاب، بی تا.
- ۲۴- کارل ریموند پوپر، مترجم حسین کمالی، ویراستار عبدالکریم سروش، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- ۲۵- مشکینی اردبیلی، علی، تکامل در قرآن، به ترجمه حسینی نژاد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۲۷- مهاجری، مسیح، نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- ۲۸- معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه الفشیب، مشهد، الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، ۱۴۱۹ هـ.ق.
- ۲۹- نبوی، محمد حسن، مدیریت اسلامی، قم بوستان کتاب، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۳۰- نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ دهم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۳۱- نوفل عبدالرزاق، القرآن والعلم الحدیث، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۳ هـ.ق.
- ۳۲- نجاتی، محمد عثمان، قرآن و روانشناسی، به ترجمه عباس عرب، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۹ هـ.ش.